

گوشه‌ای از تاریخ ایران

مهرماه ۱۳۰۵

دکتر ابراهیم امیرکتابی

فشار به ایران برای عذرخواهی

مأموریت حسین خان آجودانباشی در لندن

چنان که پیشتر گفته شد، مکنیل وزیر مختار انگلیس می‌کوشید و باصطلاح به هر دری می‌زد تا شاید ایران را به پذیرش خواسته‌های خود و معذرت‌خواهی و ادلر کند، ولی محمدشاه و حاجی میرزا آقاسی به آسانی به خواسته‌های او تن در نمی‌دادند. از این رو مقامات انگلیسی سیاست خویش در قبال ایران را سخت‌تر کردند و بر دامنه فعالیت‌هایشان افزودند.

فشارهایی که در این زمینه به ایران وارد می‌شد از سه راه بود: مذاکره و مکاتبه کلنل شیل با مقامات ایرانی در تهران و سپس در ارزنة الروم؛ توسل به دولت روسیه و از جمله گفتگوی مکنیل با کنت نسلرود در پترزبورگ و مکاتبات میان پالمرستون و کنت نسلرود از طریق نمایندگان انگلیس و روسیه در پترزبورگ و لندن و بالاخره گفتگوهای لرد پالمرستون با حسین خان آجودانباشی در لندن و ابلاغ شرایط دولت انگلیس برای اعاده رابطه سیاسی عادی با ایران.

الف- مذاکرات و مکاتبات شیل در ایران

کلنل شیل دبیر سفارت (و وزیر مختار بعدی) انگلیس، چنان که گفته شد، به دستور مکنیل وزیر مختار وقت با نامه‌ای برای تحقیق درباره نظرات محمدشاه و طرح این پرسش که آیا شاه خواسته‌های انگلیس را طبق وعده‌ای که به کلنل استودارت در هرات داده بود، انجام می‌دهد یا نه، به اردوی ارتش ایران رفت. محمدشاه در آن روزها پس از رفع محاصره هرات همراه ارتش خود در حال حرکت از خراسان به تهران بود. درخواست انگلیسی‌ها در آغاز عبارت بود از برکناری حاجی خان قریباغی و اعلام صریح این برکناری به علت توهمینی که مدعی بودند این شخص با آزار دادن غلام چاپار نمایندگی به دولت انگلیس روا داشته است.

بیشتر نامه‌نگاری‌هایی که در این باره شده تکرار است و به این جهت در اینجا برای نمونه فقط به نقل بخشهایی از چند نامه بسنده

می‌شود.

کلنل شیل، چنان که دیدیم، روز ۴ نوامبر ۱۸۳۸ (۱۶ شعبان ۱۲۵۴) در سمنان وارد اردوی ارتش ایران شد و پس از تسلیم نامه مکنیل که به تاریخ ۲ شعبان ۱۲۵۴ خطاب به میرزا علی نایب وزیر امور خارجه نوشته شده بود، در ده نمک با محمد شاه دیدار و گفتگو کرد.

مکنیل در نامه خود (که متن آن در اینجا گراور شده) پس از اظهار امیدواری که «بار دیگر بدربار معدلت مدار شهریاری آمده سعادت حضور رافت ظهور پادشاهی را دریافت نموده باشد» نوشته است:

... عالیجاه رفیع جایگاه... شیل صاحب نایب سفارت خاص پادشاهی را مأمور ساخت و روانه دربار شوکت قرار خسروانی داشت که اولاً استقبال نموده مراسم ارادت را معمول داشته شرایط تبریک و تهنیت رجعت موکب فیروزی موکب پادشاهی را به مستقر خلافت عظمی به خیریت و سلامت به جای آورده باشد و ضمناً در باب انجام سایر مطالب به امنای دولت علیه گفتگو کند...»^{۲۴۷}

شیل چون از مذاکرات خود با محمد شاه نتیجه مطلوب به دست نیآورد، همراه محمد شاه و ارتش ایران عازم تهران شد و در منازل مختلف از جمله قشلاق و ایوان کیف (ایوان کی) و کیود گنبد و سپس در مدت سه هفته اقامت در تهران هر وقت فرصتی دست داد با حاجی میرزا آقاسی و میرزا مسعود وزیر امور خارجه و دیگران به مذاکره و مکاتبه ادامه می‌داد.

شیل پس از دیدار و گفتگوهایی که روز ۴ نوامبر در ده نمک با محمدشاه داشت همراه میرزا مسعود، به چادر او رفت. در گفتگو میان آنان، وقتی کلنل شیل گفت اظهارات امروز شاه مخالف حرفهایی است که پیشتر در نزدیکی هرات به کلنل استودارت زده و گفته است با همه خواسته‌های دولت انگلیس موافقت خواهد کرد، میرزا مسعود کوشید لحن تند شاه را تا اندلزه‌ای ملایم‌تر جلوه دهد و بدین منظور گفت: قصد شاه آن نبوده است که به شما پاسخ‌رود داده باشند، بلکه اعلیحضرت در واقع می‌خواستند بگویند حاجی خان از خدمت برکنار شده است و شما دیگر نباید ادعایی در این مورد

داشته باشید.

میرزا مسعود ضمناً نامه‌ای را که به تاریخ همان روز (۱۶ شعبان ۱۲۵۴ / ۴ نوامبر ۱۸۳۸) در پاسخ به نامهٔ مکتبیل نوشته بود به کلنل شیل تسلیم کرد. در این نامه پس از اشاره به اینکه مستتر شیل و مستتر ریاح در سمنان به اردوی همایون شاهنشاهی ملحق و در ده نمک «شرقیاب حضور آفتاب ظهور اقدس گردیده‌اند» و عریضهٔ آن جناب را به نظر رسانده‌اند، می‌نویسد:

در باب مقدمهٔ عزل حاجی خان که به پیغام شفاهی عالیجاه

مستر شیل محوّل داشته بودید، اگر چه اولیای دولت قاهره چنان که از مضمون مکاتباتی که درین مدت با آن جناب درین باب اتّفاق افتاده استنباط می‌شود او را درین خصوص به هیچوجه مقصّر نمی‌دانند. اما چون بر خود قرار داده‌اند که دولت بیهیبه این توقع انگلیس را که درین اوقات کرده‌اند به‌جا بیاورند تا ایشان را مطلقاً راه گله باقی نماند، لهذا حاجی خان را به سبب توقع دولت سنیّه و به جهت تقصیرات چندی که در امر لشکر کشی ازو به ظهور آمده بود از منصب معزول و از خدمت اخراج فرمودند... ۴۴۸

کلنل شیل در گزارشی که روز بعد در این باره برای مکتبیل وزیر مختار انگلیس فرستاده نوشته است میرزا مسعود در دولت ایران کارهای نیست و جرأت اظهار نظر در برابر شاه و صدراعظم را هم ندارد.

کلنل شیل پیش از دیدار و گفتگو با محمدشاه، با حاجی میرزا آقاسی صدراعظم نیز ملاقات کرده و همان مطالب را با او در میان نهاده بود. حاجی میرزا آقاسی به او گفته بود این مطالب را به عرض شاه می‌رساند ولی چون امور خارجی را شاه شخصاً اداره می‌کند، بهتر است کلنل شیل به دیدار او برود و آنچه را می‌خواهد، حضوراً به عرض برساند. ۴۴۹

محمدشاه و همراهان روز ۱۹ شعبان ۱۲۵۴ (۸ نوامبر ۱۸۳۸) وارد پایتخت شدند و کلنل شیل و مستتر ریاح (حکیم ریاح) که هر دو زبان فارسی را خوب می‌دانستند نیز در همان روز وارد تهران شدند. ۴۵۰

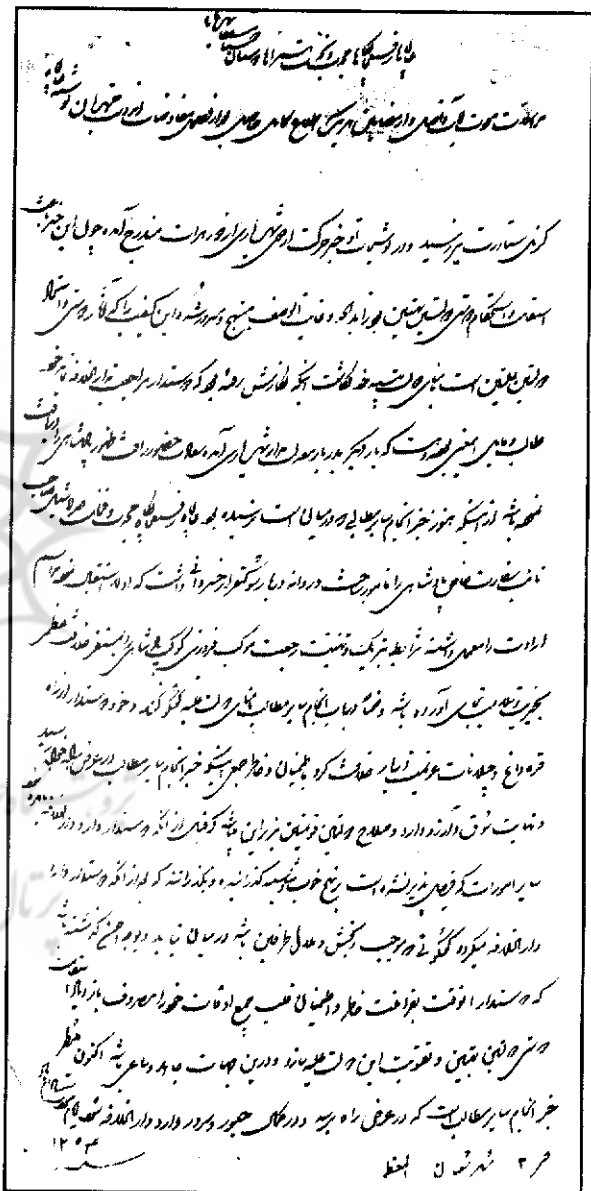
در تهران، کلنل شیل به فعالیت‌های خود همچنان ادامه می‌داد. گاهی با میرزا مسعود و گاهی با حاجی میرزا آقاسی مذاکره می‌کرد و با آنها به مکاتبه می‌پرداخت. شیل صبح همان روزی که وارد تهران شد (۸ نوامبر ۱۸۳۸) به دیدن حاجی میرزا آقاسی صدراعظم رفت و با او گفتگو کرد. حاجی به شیل گفت اعلیحضرت با هیچ نوع تغییری در نامه‌ای که راجع به برکناری حاجی خان از طرف وزیر امور خارجه به شما نوشته شده است رضایت نمی‌دهند.

حاجی میرزا آقاسی افزود که خود من به هیچ وجه دخالتی در امور دولتی ندارم و کسی نیستم جز یک درویش فقیر؛ فقط ملاّی که دولت‌های اروپایی او را می‌شناسند و تحسین می‌کنند و خلاصه «من خیلی به پاپ شباهت دارم و در واقع پاپ هستم».

حاجی میرزا آقاسی به کلنل شیل اصرار کرد او و مستتر ریاح (حکیم ریاح) بکوشند مکتبیل را متقاعد کنند که به تهران باز گردد و افزود خودم حاضرم نامه‌ای به مکتبیل بنویسم و او را برای بازگشت به تهران دعوت کنم.

شیل پاسخ داد اگر چنین نامه‌ای نوشته شود، نامهٔ معذرت نخواهد بود.

حاجی میرزا آقاسی ضمن شرحی دربارهٔ دوستی انگلیس و



نامهٔ مورخ ۲ شوال ۱۲۵۴ (۲۱ اکتبر ۱۸۳۸) مکتبیل به «میرزا اعلیٰ نائب الوزارت دول خارجه» دربارهٔ مأموریت «شیل صاحب نائب سفارت خاص پادشاهی» برای تبریک و تهنیت بازگشت محمدشاه به تهران و تحقیق دربارهٔ «انجام مطالبی که در میان است». آرشیو وزارت امور خارجه ایران

ایران، به عنوان نشانه این دوستی گفت او می تواند هر تفنگی را به قیمت ۲۰ شیلینگ از روسیه بخرد ولی بخاطر دوستی با انگلیس ترجیح می دهد آنرا به قیمت هر قبضه سی شیلینگ از انگلیس خریداری کند.

دلیل دیگر این دوستی آن است که ارتش ایران را تحت نظارت افسران انگلیسی قرار داده و معادن قراداغ را به کارشناسان انگلیسی سپرده است.

کلنل شیل در پایان گزارش خود درباره این گفتگو ضمن ایزار شگفتی از اظهارات حاجی میرزا آقاسی در مورد دوستی با انگلیس، حاجی را آدمی خودسر و متلون می خواند و می نویسد مقصود از این اظهارات، به دست آوردن فرصت برای تقویت ارتش ایران و ضمناً آگاهی از نظر دولت روسیه (موضوع نامه ای که به کنت نسلرود نوشته اند) در پشتیبانی از ایران است.^{۴۵۱}

ظاهراً آخرین نامه ای که کلنل شیل پس از دو هفته اقامت در تهران به میرزا مسعود وزیر امور خارجه نوشته است به تاریخ ۳ رمضان ۱۲۵۴ (۲۲ نوامبر ۱۸۳۸) است. در این نامه، شیل بطور فشرده نوشته بود:

۱- گرچه حاجی خان قراباغی به علت تقصیرات متعدد معزول شده است، اما باید صریحاً اعلام شود که بر کناری او به علت اذیت و آزاری بوده که نسبت به غلام چاپار انگلیس مرتکب شده است.

۲- فرمائی از طرف شاه صادر شود که خدمتگزاران «شاهنشاه ایران» هیچ وقت و تحت هیچ بهانه ای باعث اذیت و آزار کارکنان نمایندگی انگلیس اعم از بومی و غیر بومی نشوند.

۳- حاجی میرزا آقاسی صدراعظم چون دستور زندانی کردن حاجی خان قراباغی را داده است باید کتیباً از مکنیل وزیر مختار انگلیس معذرت بخواهد.

میرزا مسعود در پاسخ، در نامه ای به تاریخ ۱۰ رمضان ۱۲۵۴ (۲۸ نوامبر ۱۸۳۸) که کلنل شیل مدعی است پیش نویس آنرا خود محمد شاه تهیه کرده بوده، نوشته است:

۱- طبق دستور شاه فرمائی صادر شده مبنی بر آنکه هرگاه کارکنان نمایندگی انگلیس مرتکب جرمی شوند با حضور یکی از اعضای نمایندگی به آن جرم رسیدگی و تصمیم مقتضی گرفته می شود.

۲- مقام حاجی میرزا آقاسی خیلی بالاتر از آن است که به او ارتکاب تقصیری نسبت داده شود. در اردوگاه هرات حاجی میرزا آقاسی می خواسته برای دلجویی مستر مکنیل وزیر مختار انگلیس به چادر او برود ولی او حاضر نشده و با خودداری از پذیرش درخواست حاجی میرزا آقاسی، به او بی احترامی کرده است و بنابر این مکنیل باید از حاجی میرزا آقاسی پوزش بخواهد.

۳- غوریان از هنگام به قدرت رسیدن دودمان قاجار متعلق به ایران بوده و قلعه آن توسط عیسی خان تربتی و پسر او محمدخان

ساخته و پرداخته شده است. بعدها افغانها آنرا تصرف کرده اند و با حکومت خراسان قرار گذاشته اند که هر سال در آمد آنرا به آن حکومت بپردازند.

شیل در گزارشی به شماره ۸، مورخ ۳۰ نوامبر ۱۸۳۸، با ارسال ترجمه انگلیسی نامه ای که به میرزا مسعود نوشته و پاسخی که دریافت داشته است، پس از اشاره به لحن ناخوشایند و قابل اعتراض نامه میرزا مسعود به مکنیل وزیر مختار انگلیس می نویسد:

از بحث و گفتگو درباره درخواست نامربوط معذرت خواستن وزیر مختار انگلیس از حاجی میرزا آقاسی خودداری کردم زیرا ادامه این گفتگوها نتیجه ای جز طولانی شدن بیشتر اقامت من و دکتر ریاح در تهران نخواهد داشت و در حال حاضر بعید به نظر می آید بتوان تغییری در نظر ایرانی ها داد بخصوص که اطلاع دارم پیش نویس نامه میرزا مسعود را خود پادشاه نوشته است. بنابر این تصمیم گرفته ام همراه مستر ریاح روز دوم دسامبر ۱۸۳۸ (۱۵ رمضان ۱۲۵۴) تهران را ترک کنم و از راه تبریز به ارزروم (ارزنه الروم) بروم.^{۴۵۲}

کلنل شیل و دکتر ریاح با وجود سردی هوا روز ۲ دسامبر ۱۸۳۸ تهران را ترک کردند و پس از ورود به تبریز همراه دیگر اعضای نمایندگی انگلیس راهی ارزروم و در ۲۴ ژانویه ۱۸۳۹ وارد آن شهر شدند. در ارزروم با کمک مستر برنت کنسول انگلیس و پاشای محل، جا و مکان نسبتاً مناسبی برای اعضای نمایندگی انگلیس تهیه شد. به گفته شیل، در ایران به هنگام عبور تا مرز عثمانی همه جا با آنان با احترام رفتار می شده است.^{۴۵۳}

مدت اقامت کلنل شیل با عنوان کاردار، و اعضای نمایندگی انگلیس در ارزروم نزدیک به دو سال و نیم به طول انجامید. در این مدت حوادث ایران را زیر نظر داشتند و با اطلاعاتی که توسط عوامل خود به دست می آوردند گزارشهایی درباره ایران تهیه می کردند و برای دولت متبوع خود به لندن می فرستادند. شیل در این مدت واسطه مکاتبات میان مقامات ایران و انگلیس بود که بعد به چگونگی آن اشاره خواهیم کرد.

ب- مذاکرات مقامات انگلیس و روسیه در پترزبورگ و لندن

مکنیل وزیر مختار انگلیس پس از بازگشت کلنل شیل از تهران و آگاهی از اینکه حل و فصل اختلافات با محمد شاه مقدور نیست، چنان که در گزارش خود به بالمرستون نوشته بود، تصمیم گرفت از راه روسیه به انگلستان برود و ضمناً در سر راه در پترزبورگ با کنت نسلرود گفتگو کند تا شاید بتواند روسیه را وادارد که به دوامال وزیر مختار جدید روسیه در ایران دستور دهد به محمد شاه توصیه کند به حل و فصل اختلافات خود با دولت انگلیس بپردازد.

بدین جهت مکنیل و اعضای نمایندگی انگلیس روز دوم ژانویه

۱۸۳۹ ایران را ترك كردند. مكنتيل از راه روسيه روانه انگلستان شد و كلنل شيل به كاردارى نمايندگى انگليس منصوب گرديد و همراه بقيه اعضاى نمايندگى انگليس به ارزروم در خاك تركيه (عثمانى) رفت.

به اين ترتيب رابطه سياسى ايران و انگليس به حال تعليق در آمدولى نامه نگارى ها همچنان ادامه يافت. ۲۵۴

مكنتيل در فوریه ۱۸۳۹ در پترزبورگ با كنت نسلرود ديدار و مذاكره كرد.

در اين گفتگوها، مكنتيل درباره روابط محمدشاه با كامران ميرزا والى هرات توضيح داد و اظهار تأسف كرد كه شاه از قبول انعقاد عهدهنامه با كامران ميرزا خوددارى و هرات را محاصره كرده است.

مكنتيل سپس به اقدامات كنت سيمونيچ وزير مختار روسيه اشاره مى كند، ولى نسلرود مى گويد او برخلاف دستور امپراتور عمل مى كرده و سوء تفاهم ميان انگليس و روسيه به وجود آورده و در نتيجه احضار شده است.

وقتي نسلرود به مكنتيل مى گويد حال كه شاه از محاصره هرات دست برداشته و نيروهاى خود را به داخل ايران عقب كشيده چرا انگليسى ها جزيره خارك را تخليه نمى كنند، مكنتيل پاسخ مى دهد علت ادامه اشغال جزيره خارك آن است كه دولت ايران براى دستگيرى غلام چاپار سفارت انگليس عنبر خواهى نكرده و ديگر درخواست هاى آنرا نيز نپذيرفته است و مى افزايد براى حفظ اقتدار و افتخار دولت انگليس اين عنبر خواهى لازم است. با توجه به اوضاع و احوال ايران و شناختى كه از ايرانيان دارم، براى هر نمايندگى خارجى حفظ و حمايت كاركنان آن و بخصوص غلام چاپار را لازم مى دانم. چنانچه خواسته شود، كلنل شيل به ايران باز مى گردد و جزيره خارك تخليه مى شود.

كنت نسلرود به مكنتيل مى گويد از آنجا كه روسيه مايل به حفظ دوستى خود با دولت انگليس است، كنت سيمونيچ احضار و به جاي او ژنرال دوهامل بعنوان وزير مختار جديد به ايران اعزام شده است و دستور دارد از شاه بخواهد كه رضاييت دولت انگليس را جلب كند.

مكنتيل به نسلرود مى گويد اگر شاه مطمئن شود كه روسيه از او حمايت نخواهد كرد، بى ترديد در صدد جلب رضاييت دولت انگليس بر مى آيد.

مراسله در تاريخ ۱۹ رجب ۱۲۵۵ (۲۷ سپتامبر ۱۸۳۹) كلنل شيل به وزير امور خارجه ايران مى نويسد كه در آن ميان جيجرى روس ها دارد كرده و نوشته است نامه حاجى ميرزا آقاسى را كه توسط گماشتگان دولت روسيه فرستاده شده نگرفته است و آن نامه بايد بوسيله كاردار انگليس (كلنل شيل) كه در ارزنة الروم اقامت دارد ارسال شود.

مجلس استادن كاخ حساب ميرزا آقاسى به خط ميرزا محمد حسين خان ميرزا آقاسى

اين بچگه دران اوقات ليدرز از جوار سفارت انگليس در ارزنة روسيه هزاران نفر از انجا در حالت و فحش مجرب در آن ايام در ارزنة روسيه در ايران و در آن حال سولت راهله و هم در آنجا كه طرف مقابل ميرو كه مناجات روسيه با دولت ايران اقدام كند كه پسند كه جناب لاردر پستان در ارزنة روسيه افسوس و تاسف دارد در اين موارد قلمه كند بدان نسبت به جناب ميرزا آقاسى در ارزنة روسيه اينه از اين سبب مقام صفت كه مناجات ايران عدل من سازم كه كاخ معدن است در ننگه كه جناب لاردر پستانى در جواب كاخ لاردر پستانى نوشته مذبح حشبه و جفاقت بين ما است كه ان من با رزمه اوم دارد مردم كه مناجات انگليس در نرسد بدم كه با همان چاره ها در رسد كسم هر چه لاردر پستانى جواب مى رسد در تاريخ ۲۵ جون مطابق ۱۴ ربيع الثاينى كاخ در باب ننگه به عدل در ارزنة اضر تصرف نامه فايله حساب نوشته بوم بر سه چون الالان دران خط نرسد مجرد انتر بچگه در جواب رسد روز را در تاريخ ۲۵ ربيع الثاينى ۱۲۵۵ سلطان ۱۹ رجب ۱۲۵۵

نسلرود سپس موضوع افغانستان را پيش مى كشد و مى پرسد چرا امضای عهدنامه با قندهار برای شما ناخوشایند است؟

مكنتيل پاسخ مى دهد اين عهدنامه در مرحله اول بر ضد انگلستان است و هدف بعدى تجزیه افغانستان و الحاق هرات و قندهار به ايران و از بين بردن استقلال بقيه افغانستان و تسلط ايران بر آن است. صلح

نامه مورخ ۱۹ رجب ۱۲۵۵ (۲۷ سپتامبر ۱۸۳۹) كلنل شيل به وزير امور خارجه ايران كه در آن ميان جيجرى روس ها دارد كرده و نوشته است نامه حاجى ميرزا آقاسى را كه توسط گماشتگان دولت روسيه فرستاده شده نگرفته است و آن نامه بايد بوسيله كاردار انگليس (كلنل شيل) كه در ارزنة الروم اقامت دارد ارسال شود.

و آرامش در افغانستان منوط به حفظ وحدت آنست.

پس از مذاکره دربارهٔ بازرگانی آسیای مرکزی، نسلرود به مکنیل اصرار می‌ورزد که سعی کند اختلافات با ایران حل و فصل شود زیرا «وضع فعلی ناپسند است و نمی‌تواند بنفع مصالح ما و شما و ایران باشد.»

مکنیل پس از مذاکره با کنت نسلرود راهی انگلستان شد و در اوایل مارس ۱۸۳۹ وارد لندن شد.^{۲۵۵}

ملاقات و مذاکرات مکنیل با کنت نسلرود موجب رضایت پالمستون وزیر امور خارجهٔ انگلیس نشد زیرا مقامات انگلیسی بر آن تصور بودند که ممکن است این گونه اقدامات به وساطت روسیه میان ایران و انگلیس بینجامد؛ چیزی که از آن سخت پرهیز می‌کردند.^{۲۵۶} به همین جهت حتی نامهٔ حاجی میرزا آقاسی را که توسط چابار دولت روسیه برای لرد پالمستون فرستاده شده بود نپذیرفته و پس فرستاده بودند. با وجود این، مکاتباتی که بین مقامات انگلیس و روسیه در لندن و پترزبورگ صورت گرفت منجر به توصیه‌هایی از طرف روسیه به محمدشاه برای حل و فصل اختلافات بین ایران و انگلیس گردید که به نمونه‌ای از آنها در اینجا اشاره شده است.

پیشتر گفتیم که مقامات دولت انگلیس لشگر کشی محمدشاه به هرات را به تشویق و تحریض کنت سیمونیچ وزیر مختار روسیه می‌دانستند ولی مقامات دولت روسیه و از جمله کنت سیمونیچ ادعا می‌کردند اقدامات وزیر مختار روسیه در ایران سر خود و بی‌اجازهٔ وزارت امور خارجهٔ روسیه بوده است. خلاصه، پس از مکاتبات و مذاکراتی که در لندن و پترزبورگ به عمل آمد، لرد پالمستون وزیر امور خارجهٔ انگلیس نامهٔ مفصلی به کنت نسلرود وزیر امور خارجهٔ روسیه نوشت و در آن در مورد خطری که همکاری روسیه با دولت ایران متوجه مستعمرات انگلیس در هند کرده است هشدار داد.

نقل مکاتباتی که در این باره صورت گرفته و شرح و توضیح آنها موجب اطالاه کلام و تصدیق خواننده خواهد شد. در اینجا فقط به اهم مطالب نامهٔ مفصل کنت نسلرود مورخ ۲۱ فوریهٔ ۱۸۳۹ که به کنت پوترو دی برگو^{۲۵۷} سفیر روسیه در لندن نوشته شده است اشاره می‌کنیم. این نامه که در پاسخ نامهٔ لرد پالمستون نوشته شده در ۲۵ مارس ۱۸۳۹ توسط سفیر روسیه در لندن به دولت انگلیس ابلاغ شده است.

در نامهٔ مزبور به تفصیل به لشگر کشی محمدشاه به هرات و علل آن و اقداماتی که در این باره به عمل آمده اشاره و گفته شده است که دولت انگلیس تصور می‌کرده این لشگر کشی به «اغوا و تقویت دولت روس» و برای ابراز دشمنی با دولت انگلیس بوده است.

چنان که به مستر مکنیل در دیدارش با کنت نسلرود گفته شده است، دولت انگلیس باید اطمینان داشته باشد که دولت روسیه هیچ‌گاه به اقدامی که متضمن خطر و آسیب برای امنیت متصرفات

انگلیس در هندوستان باشد دست نمی‌زند و همواره کوشیده است «موالات و مصافحات ایران و انگلیس را بهمان پایه که سابقاً مستقر بود» استوار کند. «عزم جزم ما این است بهمان طور که در سال ۱۸۳۴ در انضباط کارهای ایران باتفاق و بشور و مصلحت یکدیگر مواظب بودیم^{۲۵۸} باز بهمان طور مواظب باشیم و آن مملکت را از آشوب و انقلاب محافظت کنیم و اعلیحضرت پادشاه ایران را از لشگر کشی و مملکت‌گیری که برای خود و همسایه‌هایش خطر انگیز است بقدر قوهٔ منحرف سازیم و نگذاریم از حدود حقیقی ممالک خود تجاوز کند و بسایر ممالک دست اندازی نماید. بالاخره همان نوشته‌جات بیان می‌کند که دولت روس با وجود مراتب مسطوره با کمال شوق منتظر است که دولت انگلیس نیز در طرف خودش کارها را بنظم سابق راجع نماید و جهازات جنگی خود را از خلیج فارس پس بطلبد و جزیرهٔ خارک را که عاریتاً برای قشون انگلیس محل توقف قرار داده بود تخلیه کند.» کنت سیمونیچ احضار شد و به ژنرال دوهامل وزیر مختار تازهٔ روس در ایران که عازم محل مأموریت خود بود دستور داده شد به پادشاه ایران بخصوص دو موضوع را القا و ابلاغ کند: «یکی اینکه روابط الفت را با دولت انگلیس مجدداً بمقام اولی بیاورد، ثانیاً اینکه لشگر کشی هرات را که همیشه صلاح نمی‌دانستیم و می‌گفتیم بی‌موقع و خطر انگیز است موقوف نماید و بالضرأحه رسماً خواهش نمودیم که بدون تأخیر دست از محاصرهٔ هرات باز داشته بلا تأمل بمقر سلطنت خود مراجعت نموده به تنظیم و تمشیت و آرام نمودن داخلهٔ مملکت خود پردازد.»

در این نامه، کارها و اقدامات کنت سیمونیچ وزیر مختار سابق روسیه تکذیب و انکار و گفته شده که بی‌اجازهٔ امپراتور روسیه بوده است.^{۲۵۹}

دولت‌های ضعیف همیشه در روابط دولتهای نیرومند وجه المصلحهٔ حل و فصل اختلافات قرار می‌گیرند. چنانکه دیدیم، کنت سیمونیچ وزیر مختار روسیه با تشویق و ترغیب محمدشاه و حاجی میرزا آقاسی به درگیری با انگلیسی‌ها بر سر هرات، وعدهٔ همه جور کمک مادی و معنوی و حتی نظامی به نام امپراتور روسیه به آنان می‌داد. گرچه کنت نسلرود وزیر امور خارجهٔ روسیه اقدامات کنت سیمونیچ را سر خود و بی‌اجازهٔ دولت روسیه می‌خواند، اما بی‌تردید اگر کارهای سیمونیچ را به دستور صریح دولت روسیه هم ندانیم، می‌توان گفت با موافقت ضمنی آن دولت بوده است.^{۲۶۰}

از همین رو می‌بینیم که انتظارات مقامات ناگاه ایران برای دریافت کمک از روسیه برای مقابله با انگلیسی‌ها خواب و خیالی بیش نبوده است.

دولت روسیه وقتی متوجه عزم دولت انگلیس به جلوگیری از تسلط ایران بر هرات شد و دریافت که پشتیبانی از ایران در این زمینه روابط روسیه با انگلیس را به مخاطره می‌اندازد، نه تنها منکر آگاهی

۱۸۳۷) و اعتراض و شکایت مکنیل وزیر مختار به این موضوع و مخالفت او با عزیمت سفیر ایران به دربار انگلستان و احتمالاً بیماری و بستری شدن حسین خان پیش آمد که موجب شد چندماه (در حدود ده ماه) حرکت او به تأخیر افتد. در این مدت حوادثی روی داد که اعزام نماینده از طرف محمدشاه به دربار لندن را بیش از پیش ضروری می‌ساخت. از جمله این رویدادها می‌توان به رفتن مکنیل به اردوگاه ارتش ایران بی‌اجازه و مذاکرات بی‌ادبانه او با شاه و رفتار گستاخانه و خلاف نزاکت و تهدیدهای تند و تلخش و ورود کشتی‌های جنگی انگلیسی به آبهای خلیج فارس و اشغال جزیره خارک را اشاره کرد. محمدشاه و حاجی میرزا آقاسی تیرگی روابط ایران و انگلیس را که منجر به اشغال جزیره خارک شده بود بیشتر از چشم مکنیل می‌دیدند و در نتیجه احضار او را در صدر اهداف مأموریت حسین خان قرار داده بودند.

چنان که می‌دانیم، در دوران سلطنت فتحعلی شاه، مکنیل پزشک نمایندگی انگلیس، در واقع پزشک خانواده سلطنتی هم تلقی می‌شد و آزادانه به دربار رفت و آمد داشت. رفتار فتحعلی شاه و همسر سوگلی او تاج الدوله با او باصطلاح خیلی خودمانی و بی‌تکلف بود و به همین دلیل گفته می‌شود که مکنیل از پرنفوذترین دیپلمات‌های انگلیس در دربار فتحعلی شاه بوده است. مکنیل در برابر محمدشاه که نه استعدادها و پدربزرگش را داشت و نه شخصیت او را، چندان که باید و شاید محترمانه رفتار نمی‌کرد. بیشتر دیدیم که در ملاقات و مذاکرات آنان در اردوگاه ارتش ایران در نزدیکی هرات رفتار مکنیل با شاه به اندازه‌ای بی‌ادبانه و توهین آمیز بود که محمدشاه گفته بود دیگر نمی‌خواهد روی او را ببیند و در حاشیه نامه‌ها، مکنیل را بدذات می‌خواند و گاهی تلویحاً او را لعنت می‌کرد و می‌نوشت لعنت خدا بر آدم حرامزاده.

حسین خان در راه لندن هنگامی که در وین با وزیر مختار انگلیس در اتریش گفتگویی داشت، علت دشمنی شاه با مکنیل را بی‌نزاکتی و بی‌ادبی او نسبت به پادشاه ایران دانسته بود. گزارش این گفتگو برای کلنل شیل کاردار انگلیس به ارزروم فرستاده شد. شیل از رئیس سابق خود دفاع و گفته‌های حسین خان را تکذیب کرد و در گزارشی نوشت تا هنگام عزیمت محمدشاه به جنگ هرات، همواره مستر مکنیل را در باریابی‌های همراهی می‌کرده و می‌تواند شهادت بدهد که رفتار و روش آنها (شاه و وزیر مختار) نسبت به یکدیگر متقابلاً احترام آمیز بوده است؛ نامه‌های مکنیل به شاه را او به فارسی برمی‌گردانده و برای آنکه ترجمه فارسی واضح باشد بخش بزرگی از عبارات و اصطلاحات تعارف آمیز در نامه‌های اصلی را در ترجمه حذف می‌کرده است.^{۴۶۵}

وقتی محمدشاه خبر انتصاب حسین خان را به مکنیل داد، مکنیل در پاسخ بطور غیرمستقیم به این امر اعتراض کرد و حسین خان را تلویحاً شایسته این مأموریت ندانست.

از اقدامات کنت سیمونبیچ در ایران شد بلکه او را احضار کرد و به جای او شخص دیگری به نام دوهامل یا دوگامل^{۴۶۱} را به عنوان وزیر مختار تازه روسیه به ایران فرستاد و به او دستور داد به دولت ایران توصیه کند هر چه زودتر اختلافات خود را با دولت انگلیس حل و فصل کند. روسها در پاسخ نامه‌ای که محمدشاه به دولت روسیه نوشته و برای مقابله با انگلیسی‌ها درخواست کمک کرده بود، صریحاً نوشتند که روسیه در حال حاضر نمی‌تواند با دولت انگلیس بجنگد و حتی اگر بین ایران و انگلیس جنگی روی دهد روسیه نخواهد توانست علناً به شاه کمک بدهد.^{۴۶۲}

چنین بود که محمدشاه و حاجی میرزا آقاسی به خود آمدند و متوجه شدند انتظار کمک داشتن از دولت روسیه برای مقابله با دولت انگلیس بیهوده است و روسیه به خاطر دولت ضعیفی چون ایران منافع و مصالح خود را در رابطه با انگلیس به خطر نخواهد انداخت. از این رو در صدد برآمدند با سرعت رابطه خود با انگلیس را بهبود بخشند و همچنان که حاجی میرزا آقاسی گفته بود، به علت نداشتن منابع مادی و نظامی و اینکه نمی‌توانستند به تنهایی با دولت نیرومند انگلیس به دشمنی بپردازند حاضر شدند خواسته‌های انگلیسی‌ها را بر آورند و از دولت انگلیس پوزش بخواهند. محمدشاه برای بهبود روابط خود با انگلیسی‌ها، علیرغم مخالفت روسها حتی میرزا مسعود وزیر امور خارجه روسوفیل را بر کنار کرد و به جای او میرزا ابوالحسن خان وزیر امور خارجه سابق و مستمری بگیر از دولت انگلیس را به وزارت امور خارجه ایران گماشت.^{۴۶۳}

پ- مأموریت حسین خان آجودانباشی

مأموریت ناموفق حسین خان آجودانباشی به انگلستان که جز تحقیر و توهین حاصلی نداشت در تاریخ دیپلماسی ایران نشانه‌ای از بی‌خبری و ندانم کاری‌های زمامداران آن است. گرچه شاید شرح این مأموریت در این بحث نگنجد، اما اشاره به گوشه‌هایی از آن می‌تواند برای خواننده جالب باشد.

محمدشاه احتمالاً در اواخر تابستان یا اوایل پاییز ۱۲۵۳/ ۱۸۳۷ تصمیم گرفت سفیری برای تسلیم مرگ ویلیام چهارم (۱۷۶۵-۱۸۳۷) و تبریک به تخت نشستن ملکه ویکتوریا (۱۸۳۷-۱۹۰۱) به لندن بفرستد و ضمناً لشکرکشی به هرات را برای مقامات انگلیس توجیه کند. برای این مأموریت شخصی به نام حسین خان آجودانباشی که بعدها لقب نظام الدوله گرفت، انتخاب شد. در مورد علت این انتخاب شاید بتوان گفت که حسین خان مدتی با محمد میرزا (محمدشاه بعدی) همدرس بوده و چندی نیز زیر نظر افسران انگلیسی از جمله میجر هارت تعلیمات نظامی می‌دیده و اندکی هم با زبان انگلیسی آشنایی داشته است.^{۴۶۴}

مقارن روزهایی که حسین خان در صدد تهیه مقدمات سفر خود به اروپا بود واقعه دستگیری غلام چاپار نمایندگی انگلیس (۲۸ اکتبر

متن نامه مکتوب خطاب به محمدشاه درباره حسین خان و نوشته‌های محمدشاه در حاشیه آن به شرح زیر است:

دولتخواه بلااشتبهه عرضه می‌دارد که در احسن اوقات و اشرف ساعات بزیارت فرمان مبارک سرافراز آمد. اینکه رقمزد کلك در سلک شده بود که عالیجاه حسین خان آجودان‌باشی را مأمور بسفارت دولت بهیئة انگریز فرموده که در آنجا رفته از جانب الفت جوانب پادشاهی مراسم تعزیت رحلت پادشاه قدیم و لوازم تهنیت جلوس پادشاه جدید ممالک انگلستان را بر تخت موروثی آباء و اجداد خود بجای آورد دولتخواه نهایت استحضار حاصل ساخت. منظور از فرستادن این سفیر چنانکه مرقوم رفته بود دلیل یاسداری دوستی است که همیشه اعلیحضرت شهرباری و آباء و اجداد پادشاهی با پادشاه ممالک انگلستان داشته‌اند و علامتی تازه است بر استحکام مبانی اتحاد که با حسن الوجه از قدیم فیما بین پادشاهان مشید و مستحکم آمده است و عالیجاه حسین خان را که اعلیحضرت پادشاهی برای انجام این خدمت عمده و بزرگ منتخب فرموده‌اند چون صاحب منصبی است که دولتخواه از کفایت خدمت‌گزاری او خوب اطلاع دارد و از صفات ذاتی و غیرت او در گذراندن خدمت که باو مرجوع شده خاطر مبارک رضامندی از خدمات او حاصل فرموده بجهة دولتخواه و سایر دولتخواهان کمال خورسندی حاصل است که عالیجاه مشارالیه اینگونه صداقت کیش و ارادت اندیش است از اعلیحضرت شهرباری اجازت می‌طلبید که بطریق ادب معروض رأی شهرباری دارد که هر وقت سفیری بزرگ که شبیه پادشاه است مأمور خدمتی شود و چنین خدمت با عظمت که تهنیت است قرار چنان است که اشخاصی را مأمور می‌فرمایند که در مملکت خود بعلو مرتبه و مزید نصب مشهور و معروف باشد. برای اقدس شهرباری البته معروض داشته‌اند که در چنین اوقات مثل همین وقت امپراتور قدیم روسیه ۴۶۶ امپراتور حال ۴۶۷ را که الان صاحب تاج و تخت و دولت روسیه است مأمور به انگلستان نمود که در وقت جلوس و تاج‌نهادن پادشاه جارح چهارم ۴۶۸ در آنجا موجود باشد. با وجود آنکه در میان کل دولتها قاعده کلی آنست که از برای انجام امری چنین، آدمی بزرگ مأمور نمایند (یک کلمه ناخوانا) بخصوص بعضی کیفیات که اکنون در میان است بر دولتخواه لازم آمد که این قاعده را معروض رأی پادشاهی دارد که در اینوقت که سرکار ولیعهد ایران و امیر نظام را مأمور فرموده‌اند که در گرجستان رفته و تهنیت ورود امپراتور روسیه را نمایند که در سرحدات خود بجهة سرکشی و تماشا آمده است ۴۶۹ و در حین اینحال عالیجاه حسین خان را مأمور می‌فرمایند بجهة تهنیت جلوس پادشاه انگلستان، با آنکه

تهنیت جلوس نهایت ازین امر معظم‌تر است. بر رأی انور شهرباری ظاهر است که هر قدر عالیجاه حسین خان در صفات ذاتی شایستگی داشته باشد مرتبه و درجه‌اش این است که در مجلس امیر نظام بدون اذن و مرخصی جناب معظم‌الیه نمی‌تواند نشست، هرگاه تفاوت کلی که در مرتبه و منصب سرکار ولیعهد و امیر نظام که مأمور نزد امپراتور روسیه هستند با این شخص جمیل الاخلاق که در مقابل ایشان حقیر الرتبه است و بجهة تعزیت و تهنیت دوستانه مأمور انگلستان است معروض نمی‌داشت از ملزومات خدمت‌گزاری اعلیحضرت پادشاهی و پادشاه ذیجاه دولت خود مقصر می‌شد. بدیهی است که از مأمور فرمودن این سفیر منظور اقدس شهرباری مزید استحکام رشته دوستی است و ازدیاد اتحاد دولتین علیتین. جسارت می‌کند که اینقدر فرق در میان سفراء دو دولت باعث آن نشود که مانع خواهش دوستانه اقدس پادشاهی گردد و موجب آن نباید که این اظهار دوستی سبب رنجش و شکوه دولت بهیئة انگریز آید. بطریق صداقت معروض می‌دارد که درین اوقات عظیم خالی از مصلحت و مناسبت نخواهد بود که اعلیحضرت شهرباری کسی را برای سفارت ممالک انگلستان مأمور نمایند که در مرتبه و پایه مقابل با جناب امیر نظام باشد که الحال دو مرتبه است که بسفارت نزد امپراتور روسیه مأمور شده است ۴۷۰ تا که از خاطر تمامی دولت‌ها خصوص از خاطر پادشاه ذیجاه انگریز رفع گمانی کنند و بدانند که اقدس شهرباری منظور ندارند که فرقی در میان گذاشته باشند که برای پادشاه انگلستان مناسب نباشد چنانچه اعتقاد خاصی که اعلیحضرت شهرباری نسبت به عالیجاه حسین خان دارند باعث آن باشد که مایل بمأموریت عالیجاه مشارالیه از برای انجام این خدمت شود این مقصود را میتوان حاصل ساخت بطریقی که باعث رنجشی نشود مثل اینکه او را بهمراهی یکی از شاهزادگان مأمور بسفارت فرمایند یا اینکه حل این مشکل را میتوان چنین کرد که مرتبه و منصب دوامی و ثباتی بلاعزل باو مرحمت شود که بهمان پایه و شأن که الان امیر کبیر نظام ۴۷۱ دارد بواسطه این تفاوت کلی که در مرتبه این دو سفیر که در يك وقت مأمور می‌شوند مباد باعث بعضی خیالات شود که دولتخواه یقین دارد که منظور اعلیحضرت شهرباری ازین خیالات استبعاد کلی دارد نظر بخیرخواهی دولتین علیتین خود را مقصر می‌دانست که تشویش خود را آشکار نمی‌کرد و مخفی می‌داشت بعضی عرایض دیگر که داشت بعالیجاه فحامت همراه میجر رالینسن ۴۷۲ که حامل عریضة‌الخلوص است اللقاء نمود که هنگام شرفیابی به حضور معدلت دستور بعرض اقدس شهرباری برسانند. زیاده جسارت نرفت امرهم الاقدس الاشراف الارفع اعلى مطاع»

برای تهنیت چندان از معتبرترین انگلستان نبود. حسین خان در ایران، ایس در انگلیس، گمان ندارم چندان تفاوتی داشته باشند. ۲۷۳

نامه مکنیل تاریخ ندارد ولی از قرائن و نامه‌های بعدی می‌توان گفت که آن نامه در ماه اکتبر ۱۸۳۷ (رجب ۱۲۵۳) نوشته شده است.

سرانجام، در پاسخ مکنیل که در نامه خود پیشنهاد کرده بود اگر محمد شاه «اعتقاد خاصی» به مأموریت حسین خان داشته باشد دستکم مقام و منصبی به او بدهد که در مقام پایه و شأن برابر میرزا محمدخان امیر نظام باشد، حسین خان را به عضویت «مشور تخانه خاص پادشاهی» منصوب کردند تا با توجه به مناصب دیگر او «در منصب از جناب مستر ایس که برای تهنیت و تعزیت از دولت بهیة انگریز مأمور بود برتر» تلقی شود.

نامه‌های زیر نیز از طرف محمدشاه و میرزا علی نایب وزیر امور خارجه در پاسخ عریضه و نامه‌های مکنیل نوشته شده است:

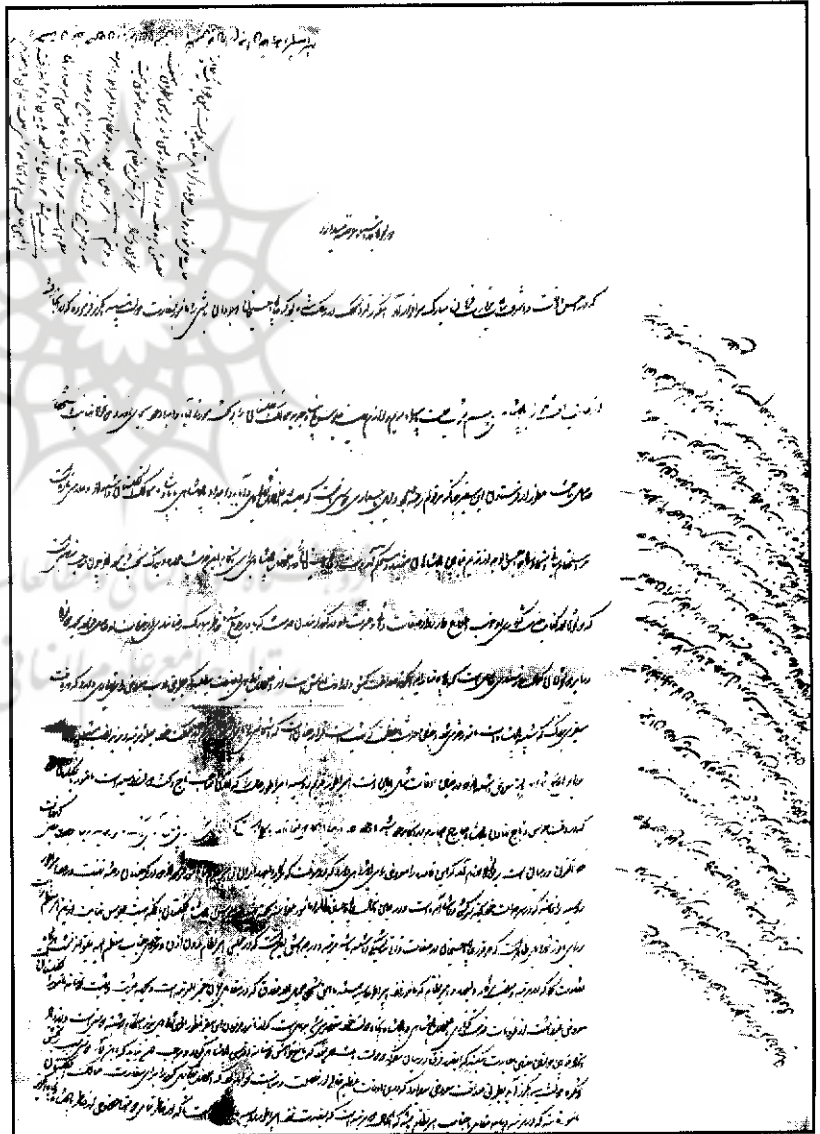
در نامه میرزا علی که در واقع منعکس کننده نظر محمدشاه است، خطاب به مکنیل گفته شده گرچه شما حق ندارید درباره «رتبه و منصب» نماینده اعزامی ایران اظهار نظر کنید مع هذا «اعلیحضرت شاهنشاهی از راه مرحمت و التفاتی که در حق آنجناب دارند مقرب الخاقان معزی الیه (حسین خان) را منصب جلیل و رتبه نبیل عطا فرمودند و او را در زمره اکابر مشور تخانه خاص پادشاه منسلک داشتند.»

«سواد ملفوفه فرمان بافتخار جناب وزیر مختار دولت بهیة انگلیس»

آنکه جناب جلالت و نیالت نصاب شهامت و صرامت اتساع عمده الکبراء المسیحیة مستر مکنیل وزیر مختار دولت بهیة انگلیس بعطوفات خاطر مهر مظاهر شاهنشاهی سرفراز بوده بداند که عریضه ارادت ترجمه آنجناب شرف اندوز حضور شهریاری گردید و فحواوی اخلاص مطاوی آن معلوم رأی مملکت آرای خسروی گشت. در باب مأموریت عالیجاه رفیع جایگاه مجددت و جلالت دستگاه مقرب الخاقان حسین خان معروض داشته بود که برای اینکه مشار الیه در دربار شو کتمدار منصب بزرگی ندارد و امر تهنیت و تعزیت را سفیری جلیل القدر لازم است کس دیگر که منصب جلیل و رتبه عظیم داشته باشد مأمور شود بهتر است، نواب همایون ما حسب الاستدعای آنجناب

بشت صفحه: «عریضه صداقت ترجمه بحضور باهر النور مرحمت دستور اعلیحضرت سپهر بسطت پادشاهی متسرف باد.» محل مهر چهار گوش: «جان مکنیل» محمد شاه در حاشیه نامه مکنیل خطاب به حاجی میرزا آقاسی نوشته است:

هو، جناب حاجی، شما در جواب بفرمائید اگر این قاعده کلیه است پس چرا یک چایار که منصبش بروجك (۲) بود امیر اتور روس از پروس بطهران بتهنیت بطهران فرستاد. دیگر مثل امیر نظام منصب در همه قشون نیست که بفرستیم. دیگر رفتن ولیعهد و امیر نظام نزد امیر اتور در سر حد چه دخل باین دارد که بانگلیس هم سفیر باین درجه برود. معلوم است هر وقت پادشاه انگلیس هم بسر حد ایران نزدیک باشد خودمان یا ولیعهد بدیدن او خواهند رفت. ایس صاحب هم که اینجا آمد



نامه مکنیل وزیر مختار انگلیس به محمدشاه درباره مخالفت با مأموریت حسین خان آخوندان باشی به انگلستان. آرشیو وزارت امور خارجه ایران

عالیجه مشار الیه را بمنصب عالی مرحمت فرموده و باور تبه و منصب جناب جلال‌التماب نبالت انتساب عمده‌الکبراء المسیحیه مستر الیس را عطا کردیم که بعون الله بزودی روانه ممالک محروسه انگلستان گردد. میباید آنجناب بعواطف روزافزون شاهنشاهی امیدوار و مطمئن گشته عرایض خود را معروض دربار شوکت‌مدار داشته قرین الحاق و انجام داند. تحریر آفی شهر رجب المرجب سنة ۱۲۵۳ (اکتبر ۱۸۳۷) ۲۷۲ «سواد نوشته مقرب الخاقان نایب الوزاره میرزا علی بجناب وزیر مختار انگلیس»

جناب جلالت و نبالت مآبا مخلصان استظهارا. اگر چه جناب سامی در نوشته مخلص در باب مأموریت حسین خان آجودان باشی هیچ نوشته بودید لیکن مخلص حسب الامر قدر قدرشاهی اظهار می نماید که اگر چه جناب سامی این عرض را از راه صداقت و ارادت می نماید که باین دولت جاوید آیت دارند معروض داشته اند، ولی حقی در این باب جناب سامی را نیست چرا که برای تهنیت جلوس ابد مأموس از دولت بهیبه روسیه فلیتکر (۲) که منصب چاپار باشیگری داشته اند و از دربار علییه روم (عثمانی) اسعد افندی که قاضی عسکر اناطولی بود و این هر دو در تبه و منصب از حسین خان بیشتر و بالاتر نیست. باری اعلیحضرت از راه مرحمت و التفاتی که در حق آنجناب دارند مقرب الخاقان معزی الیه را منصب جلیل و رتبه نبیل عطا فرمودند و او را در زمرة اکابر مشهور تخانه خاص پادشاهی منسلک داشتند که اکنون در منصب از جناب مستر الیس که برای تهنیت و تعزیت از دولت بهیبه انگریز مأمور بود برتر است چرا که علاوه بر اینکه از اکابر مشهور تخانه خاص پادشاهی است دو منصب بزرگ دارد یکی سرتیبی و یکی آجودانباشیگری. زیاده چه نگارد. تحریر آفی ۱۶ شهر رجب ۱۲۵۳. ۲۷۵

با آنکه مقام حسین خان را باصطلاح ترمیم کردند^{۲۷۶} و او را ظاهر آبه عضویت «مشور تخانه خاص پادشاهی» که وجود خارجی نداشت، منصوب کردند، به علت شدت گرفتن اختلافها، چنان که اشاره شد، چند ماهی عزیمت حسین خان به انگلستان به تأخیر افتاد. در اواخر سال ۱۸۳۷ (۱۲۵۳ ه.ق) مکنیل در گزارشی به لرد پالمستون وزیر امور خارجه انگلیس نوشت:

بطوری که اطلاع پیدا کرده ام حسین خان می خواهد عازم سفارت خود در انگلستان بشود. هر چند به او توصیه نمودم صبر کند تا موضوع غلام سفارت حل و فصل شود اما به نظر می آید او می خواهد حرکت کند و من دیگر سعی نمی کنم از عزیمت او ممانعت نمایم.

ابتدا او گفت مأموریتش تشریفاتی و برای تسلیت و تبریک است، اما در تبریز به کلنل شیل گفته است دارای اختیارات وسیعی

میباشد. معهذا باور نمی کنم او اختیار هر کاری را که بخواهد داشته باشد حتی مذاکره، هر چند ممکن است به او دستور داده شده باشد که هم ادعاهایی را مطرح کند و هم وعده بدهد. گمان می رود به او دستور داده باشند اعانه برای جنگ گذشته باروسیه و نیز پرداخت پنجاه هزار تومانی را که سر جان مکونالد وعده داده بود ادعا کند و ممکن است به او اجازه داده شده باشد به شرطی که با پرداخت این مبالغ ادعایی موافقت بشود او با امضای عهدنامه بازرگانی به صورتی که مورد موافقت شاه و وزیر امور خارجه او قرار گرفته بود موافقت کند. اما می ترسم هدف عمده از مأموریت او گذراندن وقت باشد، بی آنکه چیزی بدهد. از آنجا که می دانند من به گفتار قناعت نمی کنم و عمل می خواهم، امیدوارم با انتقال صحنه مذاکره به لندن يك سال دیگر وقت به دست آورند تا شاه نه تنها هرات را تصرف کند بلکه با کمک روس ها در کابل هم موفقیت به دست آورند و آنوقت در موقعیتی قرار بگیرند که بتوانند شرایط خود را به ما تحمیل کنند این وضعی است که از گوشه و کنار توانسته ام از نظرات فعلی این دولت آگاه شوم. ۲۷۷

چندی بعد میرزا مسعود وزیر امور خارجه ایران در نامه ای که به لرد پالمستون وزیر امور خارجه انگلیس درباره مأموریت حسین خان نوشته، بی اشاره به مخالفت مکنیل و تشدید اختلافات دو کشور، علت تأخیر عزیمت حسین خان را بیماری او در راه عنوان کرده است.

در این نامه که فتوکپی متن آن در اینجا گراور شده است، میرزا مسعود پس از اشاره به روابط دوستانه موجود بین دو کشور و لزوم تسلیت مرگ ویلیام چهارم و تبریک «جلوس اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت پادشاه بافر و جاه و یکتوری (ویکتوریای) اعظم بر تخت سلطنت موروث» می نویسد:

... مقرب الخاقان حسین خان آجودانباشی کل عساکر منصوره و مشیر مشور تخانه خاص پادشاهی را که صاحب انواع نشانهای شیر و خورشید و حمایل سبز و سرخ امیر تومانی و خنجر و شمشیر مرصع و از نجبای مملکت آذربایجان و از عهد صبی تاکنون مورد تربیت و عنایت سرکار سلطنت گشته و در علوم هندسه و آداب نظام همواره همدرس حضرت خلافت بوده از حسن ارادت و نیکو خدمتی محل اعتماد و امانت شده شایسته این خدمت دیدند و او را برسم سفارت بزرگ مأمور بدربار آتشوکت بهیبه فرمودند که بعد از ادای رسوم تعزیت و تهنیت و ابلاغ نامه و القای پیغامات دوستانه نیز مأمور و مختار بود که پاره مطالب جزئی که قطع و فصل آنها در عهده تراخی مانده با امنای آتشوکت سنیه قراری داده بانجام رساند. از قضا در عرض راه بشدت ناخوش شد مدت پنج و شش ماه بستری گشت. بعد از آنکه فی الجمله افاقه در احوال او حاصل شد عازم مقصد گردید. درین بین

علیتین است حالی خواهد ساخت و هر چه امنای این دولت علیه برای حفظ شرایط دوستی بمقام اصلاح و چاره‌جویی آمدند مفید نشد و سفیر بزرگ دولت علیه علاوه بر مأموریت سابق خود موافق نوشتجات علی‌حده که از جانب امنای دولت علیه در عرض راه باور رسیده است مأمور و مختار گردید که اولاً خیالات بی اصل جناب مستر مکنیل را بطور شایسته از اولیای آن دولت ابد مدت عنبر خواهی نماید و خواهش دوستانه دولت سنیة انگلیس را که از راه انصاف و موافق عهدنامه مبارکه باشد بپذیرد. حسب الامر قدر اعلیحضرت شاهنشاه خود خلدالله ملکه و سلطانها برای اطلاع امنای دولت سنیة انگلیس دوستدار مرقوم میدارد که همیشه منظور نظر امنای دولت علیه ایران این بوده و هست که در عهد سلطنت دو

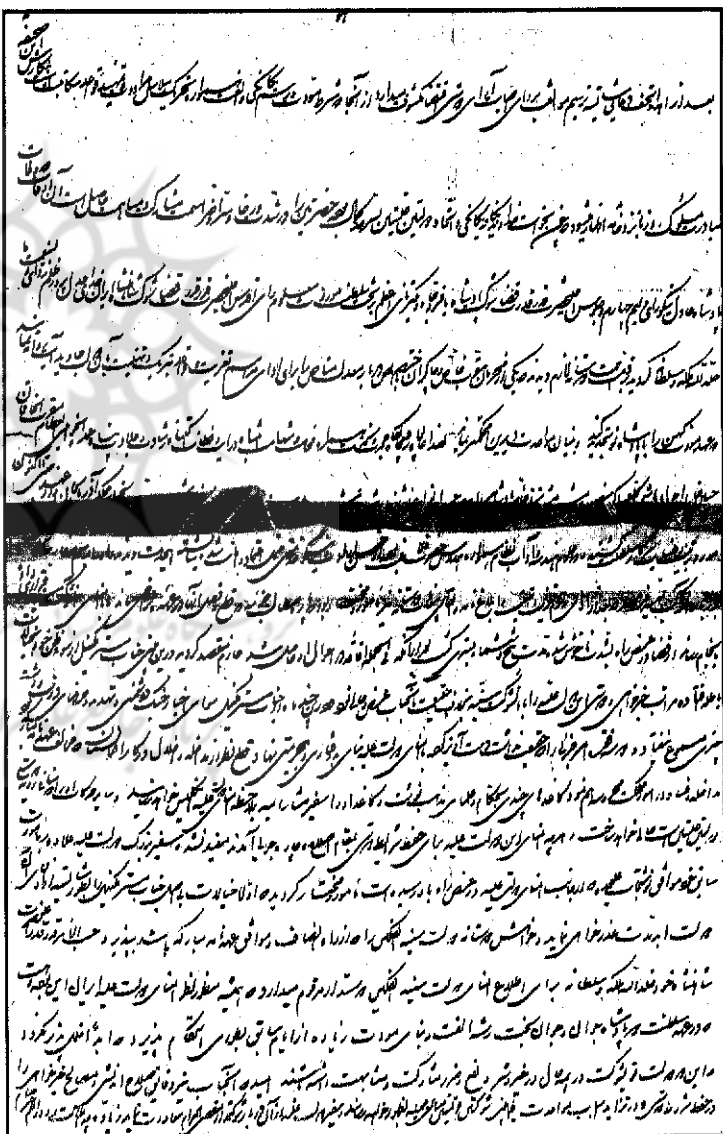
پادشاه جوان و جوان بخت رشته الفت و بنای مودت زیاده از ایام سابق بطوری استحکام پذیرد که ابداً خلل پذیر نگردد و این دو دولت قویشوکت در همه حال در خیر و شر و نفع و ضرر مشارکت و مشابَهت داشته باشند. امید که آنجناب نیز دقایق صلاح اندیشی و مصالح خیر خواهی را در حفظ شروط دوستی و در تزیید اسباب موافقت فیمابین شوکتین قویمتین مساعی جمیله ظهور خواهند رسانید و سفیر دولت علیه از آن دربار شوکت‌مدار

مقتضی المرام معاودت نماید. . . ۲۷۸

چنان که ملاحظه می‌شود، یکی از نکات مورد اشاره در نامه وزیر امور خارجه ایران که موجب شکایت از مکنیل شده، نوشتن نامه به علمای ایران است که منظور، نامه مکنیل به مرحوم سید محمد باقر شفتی رییس وقت علمای ایران است و ما در شماره قبل به آن اشاره‌ای داشتیم. متن نامه مکنیل به مرحوم شفتی و پاسخ آن در دست نیست، ولی میرزا یعقوب (پدر میرزا ملکم خان) مترجم سفارت روسیه در دوره سلطنت محمدشاه در گزارش خود وقتی به اختلاف ایران و انگلیس بر سر هرات اشاره می‌کند می‌گوید مکنیل نماینده انگلیس سعی کرد طرفداری سید محمد باقر شفتی را برای تأمین نظرات خود جلب کند و بدین منظور نامه مفصلی حاوی تمام شکایات خود و عللی که موجب اختلاف شده بود به مرحوم شفتی نوشت و گفت روش دولت ایران مسلماً باعث جنگ میان انگلستان و ایران خواهد شد. سید محمد باقر پس از پاسخ دادن به همه نکات و مطالب نامه مستر مکنیل در پایان نامه تاریخی خود نوشته بود:

من نمی‌توانم با تشخیص و قضاوت شما که این شکایات موجب قطع رابطه با ایران می‌شود هم عقیده باشم و باور کنم دوستی دولت بزرگی مانند انگلستان که این همه مورد تعریف و تمجید و تحسین و تقدیر در ایران قرار دارد تا این اندازه

جناب مستر مکنیل از سوءظن خود بخیالات باطله افتاده مراتب خیر خواهی و دوستی این دولت علیه را با آشوکت سنیة بخلاف حقیقت باآنجناب عرض و حالی نمود و درین چندماه از جناب مستر مکنیل سوای اخبار جنگ و دشمنی و تهدید و حرفهای درشت و زشت چیزی مسموع نیفتاد و دو سه فقره امر جزئی را که حقیقت نداشت دست آویز کرده با امنای دولت علیه بنای بدفتاری و بیحرمتی نهاد و قطع نظر از مداخله و اخلال در کار افغانستان که مخالف عهدنامه مبارکه بود، مداخله و فساد در امور مملکت محروسه هم نمود کاغذهای چندی بحکام و علمای مذهب نوشت و کاغذ او را سفیر مشارالیه بملاحظه امنای دولت علیه انگلیس خواهد رسانید و سایر حرکات او را که منافی رویه دوستی دولتین



پشت صفحه سجع مهر «لا اله الا الله الخالق الحق المبين عبده و رسوله»
نامه میرزا اسمعذ وزیر امور خارجه ایران به لرد بالمستون وزیر امور خارجه انگلیس
F.O. 60/68 ترجمه انگلیسی از مجموعه F.O. 60/69

اساس آن متزلزل و سست پایه گذاری شده باشد که این نوع موارد کوچک و بی ارزش بتواند حسن رابطه بین دو کشور را متزلزل سازد.^{۲۷۹} مقامات دولت انگلیس پس از آگاه شدن از مأموریت حسین خان، آشکارا اعلام کردند که پیش از حل و فصل اختلافات ایران و

انگلیس، از پذیرفتن رسمی او در لندن و دریافت نامه محمدشاه برای ملکه انگلیس که او حامل آن است خودداری خواهند کرد.

پالمرستون پس از دریافت نامه میرزا مسعود در پاسخ به آن ضمن توجیه و تأیید اقدامات مکتبیل در ایران صریحاً می گوید تاحل و فصل اختلافات دو کشور از پذیرفتن سفیر ایران و قبول نامه محمدشاه خودداری خواهد شد.

پالمرستون در نامه مورخ ۲۲ آوریل ۱۸۳۹ خود پس از اشاره به نامه بی تاریخ وزیر دول خارجه ایران که معلوم نیست کی نوشته شده و اینکه حسین خان برای تهنیت جلوس پادشاه انگلیس بر تخت سلطنت و شکایت از سرجان مکتبیل و پاره های امور دیگر از طرف پادشاه ایران به انگلستان اعزام شده نوشته است:

به جای مأمور کردن حسین خان برای اظهار حسن نیت بهتر بود دولت ایران رفتار خود را تغییر می داد و نسبت به دولت انگلیس بی حرمتی روانی داشت.

در پاره شکایت از سرجان مکتبیل، پالمرستون تأکید کرده که گفتار و رفتار مکتبیل مطابق دستوری بوده که به او داده شده است.

میرزا مسعود وزیر امور خارجه ایران در نامه خود گفته است حسین خان برای «تمام کردن پاره مطالب که در عهده تراخی مانده» اعزام شده ولی «ذکر نمی کند که این مطالب کدام است».

پالمرستون در نامه خود موضوع تعویق انعقاد عهدنامه بازرگانی را به میان کشیده و پس از اشاره به اینکه طبق عهدنامه تهران مورخ ۲۵ نوامبر ۱۸۱۴ باید عهدنامه ای درباره امور بازرگانی بین طرفین بسته شود می گوید تا طبق نامه مورخ ۱۵ ماه اوت سال ۱۸۳۸ نایب وزیر دول خارجه ایران و موافقت اعلیحضرت شاه چنان که وعده داده شده عهدنامه بازرگانی منعقد نشود «نه حسین خان پذیرفته خواهد شد نه فرستاده دیگر».

کلنل شیل با عنوان کارداری دولت انگلیس در غیبت سرجان مکتبیل بدان جهت در ارزروم مسانده که دولت انگلیس را از انجام وعده های اعلیحضرت شاه مطلع سازد.^{۲۸۰}

میرزا مسعود وزیر امور خارجه ایران در پاسخ پالمرستون در نامه ای به تاریخ ۷ ربیع الثانی ۱۲۵۵ (۲۰ ژوئن ۱۸۳۹) که فتوکپی پیش نویس آن در اینجا گراور شده نوشته است:

... دولت علیّه ایران در دوستی دولت بهیّته انگلیس همواره ثابت قدم بوده از اینطرف هیچگاه بهیچ راه در مراعات فصول عهدنامه خجسته دقیقه فرو گذاشت نکرده اند. در دو سال گذشته بسبب عزیمت هرات که با عهدنامه بهیچوجه مخالفت نداشت بعضی مناقشات بمیان آمد، چون معلوم شد که اتمام این کار باعث تنافرت و عداوت دولت بهیّته انگلیس میشود جمیع خسارت و منفعت را بر خود روا دیده کار را ناتمام و ناقص گذاشتند تا در دوستی دولتین که برتر از همه مطالب و منافع است خللی واقع نشود، چون حقوقی که دولت بهیّته

Handwritten Persian text, likely a translation or commentary on the typed text. It includes phrases like "مجلس شورای ملی" and "میرزا مسعود".

نامه مورخ ۷ ربیع الثانی ۱۲۵۵ (۲۰ ژوئن ۱۸۳۹) میرزا مسعود وزیر امور خارجه ایران به لرد پالمرستون وزیر امور خارجه انگلیس. آرشیو وزارت امور خارجه ایران

دولت علیه است تصرف کرده در اثنای سلم و صفوت با اسلحه حریبه داخل مملکت ما شدند. سفرای آنها در بغداد و اسلامبول با شاهزادگان فراری ما مراده و مخالطه را گرم گرفتند. شیخ نصر حاکم بوشهر را که ما برای رضاجوئی آنها عزل کردیم تصاحب کرده مرسوم و مواجب برای او مقرر نمودند. اعلیحضرت شاهنشاه با فر و جاه خلد الله ملکه و سلطانه برای اینکه این امر در کل دولتها واضح و روشن گردد و آشکار و بین شود که ازین دو دولت کدام يك حافظ عهد بوده و کدام يك ناقض آن در اثنای که هر اثنی از جهات عدیده بجان آمده بود و مستعدی استسلام و استیمنان شده دست از تصرف آن برداشتند و عساکر منصوره را چون شیر گرسنه که از طعمه برگیرند مراجعت دادند و جمعیت مختصری با اتفاق عالیجاه رفیع جایگاه مجددت و نجات همراه مقرب الخاقان محمدعلی خان پسر جناب جلالت و نبالت نصاب شهامت و فخامت انتساب نظاما للمجد و الاحتشام آصف الدوله علیه اللهیار خان در غوربان که قدیمآ از اعمال تربت است و قلعه آن از بناهای استحق خان قرانی است و مدتها محمدخان پسر او در آنجا حکومت داشت گذاشتند. پاتینجر صاحب منصب انگلیسی که در مدت محاربه ماباهراتی بخلاف عهدنامه میمونه اعانت و راهنمایی بدشمن دولت علیه میکرد و وزیر مختار آندولت همیشه انکار مینمود که انگلیسی درین شهر نیست، بعد از معاودت موکب منصور کاغذی بعالیجاه محمدعلی خان نوشته او را از اقامت آنجا منع و از انتقام دولت انگلیس تحذیر کرده است. سواد آن کاغذ را هم برای شما ارسال داشتیم. شما همه این کاغذها را بدقت ملاحظه نمائید، کاغذهای سابق را هم با آنها ضم کنید؛

اولآ با سفرای روس و فرانسه که در دارالملک لندن اقامت دارند ملاقات کرده این حکایات را مفصلاً بمیان آورید، علم و ارشاد آنها را ضمیمه معلومات خود کرده با مستر کمل^{۲۸۳} و والد او که با مستر مکنیل معاندند آمیزش کنید و راهنمایی بخواهید «بعد از آن بحول الله تعالی و قوته با دلی قوی و عقلی سلیم و زبانی فصیح با وزرای دولت انگلیس حرف بزنید که دولت شما با دولت ما در چندین سال بتوسط چند سفیر سه عهدنامه بسته اند^{۲۸۴} و هر يك با مضای پادشاهان دولتهای انار الله برهانم رسیده و بنیان دوستی دولتهای بر فصول و شروط آن بوده است. چون در هر يك ازین عهدنامه ها فصلی جداگانه ترتیب شده که اگر دولت علیه ایران را با افغانستان محاربه باشد دولت بهیبه انگلیس را در آرمیان بهیچوجه کاری نیست لهذا درین میان هر کاری که شما را بوده است ما مخالف عهدنامه میدانیم. پاتینجر نام صاحب منصب را برای تقویت هراتی در آنجا گذاشتن يك نقص عهد است. کار داشتن او

انگلیس از دولت علیه ایران میخواست همگی بعمل آمده بود و مضمون کاغذی که نایب وزیر دول خارجه بتاريخ پانزدهم ماه آغوست سنه ۱۲۵۵ بتوسط جناب خالانتماب جنرال دوهامل وزیر مختار دولت سنیه روسیه بر وجه اکمل بعمل آمده یقین قطعی حاصل است که اسباب کدورت بالمره برچیده شده بساط مودت بهمه جهت گستریده خواهد گشت و حسین خان ایلچی این دولت علیه در دربار آن دولت سنیه مورد التفات خواهد گردید...^{۲۸۱}

چنان که ملاحظه می شود، در این نامه به حفظ دوستی با دولت انگلیس تأکید شده و درباره شکایت از مکنیل ذکر نرفته است. به هر حال با وجود مخالفت مکنیل، حسین خان روز پنجشنبه ۲۳ جمادی الثانی ۱۲۵۴ (۱۳ سپتامبر ۱۸۳۸) دو ساعت به غروب مانده از تبریز حرکت کرد و عازم اروپا شد.^{۲۸۲}

حسین خان هنوز چندان از تبریز دور نشده بود که نامه ای که فنوکی پیش نویس آن در اینجا گراور شده با چاپار مخصوص ارسال و به او ابلاغ شد. متن این نامه که احتمالاً از طرف حاجی میرزا آقاسی نوشته شده و در واقع می تواند دستور العمل حسین خان در مأموریت لندن تلقی شود، به شرح زیر است:

رفتار و گفتار مستر مکنیل وزیر مختار دولت بهیبه انگلیس را با سواد مکاتباتی که فیما بین اولیای دولت قاهره و او بخصوص امر هرات و سایر مواد گذشته بود بتاريخ... که هنوز شما از دارالسلطنه تبریز چندان دور نشده بودید نوشته مصحوب چاپار دولت علیه فرستادم چون استحضار شما از خاتمه این امر لازم بود لهذا قلمی می شود که بعد از آنکه مستر مکنیل از اردوی همایون شاهنشاهی معاودت کرد، اولآ کولونل استادرت را از شاهرود بموکب فیروزی کوکب اقدس ارجاع داده و اعلام جنگ کرد و از ورود کشتی های جنگی خودشان بیخبر فارس خبر داد.

ثانیاً بعد از ورود به تبریز عریضه بحضور مهر ظهور همایون عرض کرده صراحتاً معروض داشت که اگر اولیای دولت قاهره در تسخیر هرات اصرار و ایستادگی فرمایند دولت انگلیس مختار خواهد بود در اینکه عهدنامه میمونه را برهم زده بهر طریقی که مصلحت دولت خود دانند رفتار نمایند.

ثالثاً بهمین قدر عهدشکنی و ادعای بیحق کفایت نکرده بنای افساد در داخل مملکت گذاشت و کاغذ اغوا و اضلال بعلماء و رؤسای ممالک محروسه نوشت، از آنجمله عریضه بخدمت جناب جلالت و نبالت نصاب مجددت و فضیلت ماب مجتهد العصر فرید الدهر حاجی سید باقر قلمی نمود. من سواد اعلام نامه و عریضهای او را درین ضمن فرستادم که بخواهید و بدانید که اینمرد تا چه پایه مرتکب خلاف شده است. کشتی های جنگی ایشان هم جزیره خارکورا که ملک طلق

درین میان نقض دویم است. مداخله مستمر مکتیل در اثنای حرب بکار هرات نقض سیم است و اعلام جنگ کردن نقض عهد چهارم است و امر هرات را سلب کردن نقض عهد پنجم است. عهدنامه را بدون اینکه از ما خلاقی سر زده باشد باطل شمردن نقض ششم است. با اسلحه حربیه داخل خاک ما شدن نقض هفتم است. فراری ما را تصاحب کردن نقض هشتم است. افساد در داخل مملکت کردن نقض نهم است. مانع شدن اسلحه حربیه که ما پول داده بوعده معین از تاجر دولت انگلیس خریدیم نقض دهم است.

اگر دولت انگلیس که خود را بصفت حفظ عهد و رعایت عدل می ستاید خود را باین نقض عهد بین که بدلیل و برهان واضح و روشن ثابت و میرهن است، راضی میکند و رعایای آندولت که ادعای آزادی میکنند این معنی را می پسندند معلوم است که دوستی چنین دولتی برای ما سودی نخواهد داشت دشمنی آشکار بهتر از دوستی بیقرار است.

اگر نسبت این عمل را بر جهلای قوم داده از ایشان بیزاری

میجویند معلوم است که درصدد تلافی خسارت دولت علیه بر آمده معذرت خواه و مغفرت جو خواهد شد و دوستی به حالت اصلی معاودت خواهد کرد. در هر صورت البته مستر مکتیل را بزودی احضار خواهند کرد و اگر طالب دوستی باشند دیگری را بجای او برقرار خواهند نمود.

محمدشاه در زیر این پیش نویس نوشته است:

«هو آفرین باین کاغذ بهترین کاغذهاست لعنت خدا بآدم

حر امزاده»^{۲۸۵}

حسین خان از راه وین و پاریس به لندن رفت و در وین با مترنیخ صدراعظم اتریش مذاکراتی به عمل آورد. شرح این مذاکرات و سپس گفتگوهای حسین خان بالرد پالمستون وزیر امور خارجه انگلیس که منجر به عنبر خواهی ایران و برقراری دوباره روابط سیاسی عادی میان دو کشور شد در شماره آینده خواهد آمد.

(دنباله دارد)

یادداشتها

۴۴۷. آرشیو وزارت امور خارجه ایران. ترجمه انگلیسی این نامه در مجموعه F.O.60/60

۴۴۸. آرشیو وزارت امور خارجه

۴۴۹. گزارش مورخ ۵ نوامبر ۱۸۳۸ کننل شیل از قشلاق به جان مکتیل در رشت F.O.249/31

۴۵۰. نامه مورخ ۹ نوامبر ۱۸۳۸ شیل از تهران به مکتیل F.O. 249/31

۴۵۱. نامه مورخ ۸ نوامبر ۱۸۳۸ شیل از تهران به مکتیل F.O.249/31

452. F.O.249/31

۴۵۳. گزارش ششماره ۴ مورخ ۱۲ فوریه شیل از ارزروم به پالمستون F.O.249/31

۴۵۴. خاطرات سرجان مکتیل و دومین همسرش الیزابت ویلسون، چاپ لندن، ۱۹۱۰ ص ۲۳۵.

۴۵۵. خاطرات سرجان کمپل، ص ۲۳۷.

۴۵۶. مراجعه فرمایید به نامه مورخ ۱۵ اوت ۱۸۳۹ لرد پالمستون به لرد کلان ریکارد (CLANRICARDE) سفیر انگلیس در پترزبورگ موجود در آرشیو وزارت امور خارجه ایران.

457. Pottzo - di - Borgo

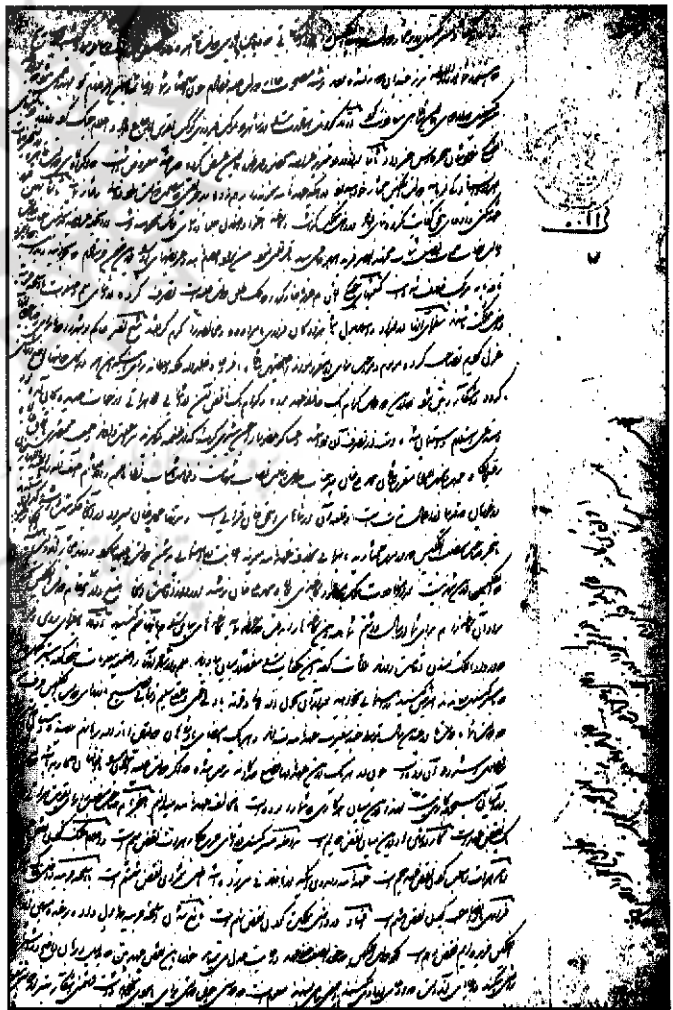
۴۵۸. منظور توافق در شناسایی رسمی محمد میرزا به ولیعهدی ایران است.

۴۵۹. برای اطلاع از متن ترجمه فارسی این نامه به آرشیو وزارت امور خارجه ایران مراجعه شود.

۴۶۰. درباره کنت سیمونتیج و کارهای او در ایران مراجعه فرمایید به خاطرات وزیر مختار پیشین.

461. A.O.Dugamel

۴۶۲. از گزارش مورخ ۲۱ آوریل ۱۸۳۹ جاستین شیل از ارزروم به پالمستون F.O.249/31



پیش نویس دستور العمل حسین خان در ماموریت لندن باینگلی وزارت امور خارجه ایران

۴۶۳. مسئولیت وزارت امور خارجه از اواخر سال ۱۸۴۰ برعهده میرزا ابوالحسن خان واگذار شد. برای اطلاع از علل برکناری میرزا مسعود و انتصاب میرزا ابوالحسن خان به جای او به شرح حال آنها مراجعه فرمایید.

۴۶۴. از شرح حال حسین خان آجودانپاشی اطلاع زیادی در دست نیست و فقط می‌دانیم زیردست میجر هارت (Major Hart) افسر انگلیسی آموزش نظامی دیده و توسط او ارتقاء مقام پیدا کرده است. (از گزارش مورخ ۱۹ آوریل ۱۸۳۹ شیل به پالمستون F.O.242/31). حسین خان وقتی برای سفارت نامزد شد، فرماندهی فوجی از نیروهای محمدشاه در جنگ هرات را برعهده داشت.

۴۶۵. گزارش مورخ ۱۹ آوریل ۱۸۳۹ شیل به پالمستون F.O.249/31

۴۶۶. الکساندر اول (۱۸۰۱-۱۸۲۵)

۴۶۷. نیکلای اول (۱۸۲۵-۱۸۵۵)

468. King George The Fourth ()

۴۶۹. مقارن انتخاب حسین خان آجودانپاشی به سفارت در دربار ملکه انگلستان برای تسلیت و تبریک، محمدشاه که در خراسان بود با اطلاع از آمدن نیکلا امپراتور روسیه به ایران دستور داد ناصرالدین میرزا ولیعهد هشت ساله همراه میرزا محمدخان امیر نظام در رأس هیئتی با هدایایی به دیدار امپراتور روسیه بروند. ناصرالدین میرزا و همراهان در ماه رجب ۱۲۵۳ (اکتبر ۱۸۳۷) وارد ایران شدند (عباس اقبال، میرزا تقی خان امیر کبیر، ص ۲۴)

۴۷۰. میرزا محمدخان امیر نظام زنگنه یک بار در سال ۱۲۴۴/۱۸۲۹ همراه خسرو میرزا برای عنبر خواهی از قتل گریه‌بایندوف وزیر مختار روسیه در پترزبورگ و بار دیگر در ماه اکتبر ۱۸۳۷ (رجب ۱۲۵۳) همراه ناصرالدین میرزا ولیعهد در ایران با نیکلای اول امپراتور روسیه دیدار کرد.

۴۷۱. میرزا محمدخان امیر نظام زنگنه.

472. Major Rawlinson

۴۷۳. آرشيو وزارت امور خارجه ايران. ترجمه انگلیسی نامه مکتبل، ضمیمه گزارش شماره ۸۵ مورخ ۱۲ اکتبر ۱۸۳۷ او از تهران به پالمستون F.O.60.51

۴۷۴. آرشيو وزارت امور خارجه ايران

۴۷۵. آرشيو وزارت امور خارجه ايران

۴۷۶. حسین خان از نامه مکتبل به محمدشاه و پاسخی که به او داده شده بود اطلاع داشته است چنان که در لندن در نامه‌ای به تاریخ ۲۳ ربیع الثانی ۱۲۵۵ (۱۲ ژوئن ۱۸۳۹) نوشته است:

«... از جمله ایراد او (مکتبل) یکی این بود که شأن و منصب بنده در گاه برای سفارت کافی نیست. امنای دولت علیه او را جواب دادند که شما خود قریب سی سال در خدمت سفرای انگریز به شغل طبابت که پست ترین شغل اجزای سفارت است مشغول بودی، اما وقتی که امنای دولت انگریز ترا به لقب سفارت و وزارت سرافراز و بدولت علیه مامور کردند، ما نیز احترام همان منصب را در ماده شما مرعی و منظور داشته مطلقاً بحتی نکردیم. حسین خان که چندسال است آجودانپاشی جمع عساکر منصوره دولت علیه می‌باشد، این اوقات به منصب جلیل مشیری سرافراز گشته است چه جای ایراد تواند بود.» (سفرنامه آجودانپاشی، ص ۴۰۰)

۴۷۷. از گزارش‌های مورخ ۲۵ و ۳۰ دسامبر ۱۸۳۷ مکتبل از تهران به پالمستون، نامه‌های محرمانه مربوط به ایران و افغانستان، ص ۲۰

478. F.O.60/69

ترجمه انگلیسی در مجموعه F.O.60/68

۴۷۹. از گزارش میرزا یعقوب، ص ۲۸ F.O.881/35

۴۸۰. نقل از ترجمه فارسی نارسای نامه پالمستون موجود در آرشيو وزارت امور خارجه ايران

۴۸۱. آرشيو وزارت امور خارجه ايران

۴۸۲. سفرنامه حسین خان آجودانپاشی، ص ۲۳۰

۴۸۳. جان کمبل Sir John Campbell نماینده سابق انگلیس در ایران

۴۸۴. منظور عهدنامه مورخ ۱۲ شعبان ۱۲۱۵ (ژانویه ۱۸۰۱) جان ملکم و

عهدنامه مورخ ۲۵ محرم ۱۲۲۴ (۱۲ مارس ۱۸۰۹) سرهارفورد جونز و

عهدنامه مورخ ۱۲ ذی حجه ۱۲۲۹ (۲۵ نوامبر ۱۸۱۴) جیمز موریه و هنری

الیس

۴۸۵. آرشيو وزارت امور خارجه ايران. فتوکی این نامه گراور شده است.

